



امام رضا(ع) و هویت اجتماعی شیعیان ایران

ورود امام رضا(ع) در نگاه کلان به ایران و در نگاه جز به خراسان، تغییرات بنیادین را ایجاد کرد. بی شک همان دو سال حضور امام در خراسان سبب گسترش تشیع در خراسان و نواحی آن شده بود.

ورود امام رضا(ع) در نگاه کلان به ایران و در نگاه جز به خراسان، تغییرات بنیادین را ایجاد کرد. بی شک همان دو سال حضور امام در خراسان سبب گسترش تشیع در خراسان و نواحی آن شده بود.

رضا صفری: چنان که از منابع بر می آید، بعد از کوفه و قم، مرکز مستقل دوم برای فعالیت شیعیان، خراسان و ماورالنهر بود.^[1] این مناطق سرحدی بدان علت اهمیت داشتند که مبلغان مذهب شیعه تحت تعقیبی توانستند به آنجا بگریزند و پنهان شوند. با توجه به کثرت مهاجرت چنین افرادی و یا در نظر گرفتن اهمیتی که این عرب ها در میان مسلمانان مغلوب داشتند، طبعاً موضع گیری آنها به ویژه در مسائل مذهبی تاثیرگذار بود، زیرا عرب ها در مسائل سیاسی و مذهبی تحت تاثیر رهبران خود در منطقه یا در عراق بودند و عجمانی که میان آنها می زیستند متأثر از این گرایش ها بودند.^[2]

نمونه این قبایل یمنی های ساکن خراسان بودند که گرایش های شیعی داشتند. در کنار این، مهاجرت بزرگ پنجاه هزار نفری اهل کوفه و بصره همراه خانواده هایشان می توانست به دو دلیل وسیله خوبی برای ترویج گرایش شیعی و افزایش شمار شیعیان در ایران و بخصوص خراسان بزرگ باشد؛

اولاً، شیعه و جریان شیعی، مخالف نظام و جریان حاکم اموی بود و ثانیاً این گروه کثیر که از کوفه و بصره به خراسان مهاجرت داده شده بودند، می توانستند به عنوان عاملی اساسی در انتشار اندیشه و شعارهای شیعی بین ایرانیانی عمل کنند که از اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود که تحت سلطه نظام حاکم به وجود آمده بود، رضایت نداشتند.

زیرا در یک قرن پس از فتوح جبال و خراسان، خلفا و حکام اموی خلافت اسلامی را به وضعی درآوردند که جز حکومت عرب اسم دیگری شایسته آن نبود، بنابراین مردم خراسان برای برانداختن آن با احزاب و فرقه های مخالف، به ویژه شیعه همراه و هماهنگ شدند. خاصه آنکه، عقاید اهل سنت اجازه قیام علیه حاکم جور را نمی داد. بنابراین ایرانیان از این زاویه زمینه خوبی در عقاید شیعی مشاهده کردند. شاهد اینکه مختار می گفت؛ زمانی مغیره به من گفت اگر چیزی خواستی مطرح کنی که مردم گرد تو فراهم و به ویژه عجم سوی تو آیند، آنان را دعوت کمک به آل محمد و خونخواهی از آنان بکن.^[3]

در این میان، اگر چه عوامل فوق تاثیر بسیاری در تغییرات اجتماعی و ایدئولوژیک منطقه داشت، ولی ورود امام رضا(ع) در نگاه کلان به ایران و در نگاه جز به خراسان، تغییرات بنیادین را ایجاد کرد. نگاهی به حوادث تاریخی نشان می دهد که در سال ۲۰۰ هجری؛ امام رضا(ع) به دنبال تهدیدهای فراوان مامون خلیفه عباسی که با جنگ و خونریزی قدرت را از برادرش امین گرفته بود به ناچار راهی مرو شد. مادلونگ یکی از مستشرقین صاحب نام در عرصه بررسی های تاریخ اسلام درباره همراهان امام رضا(ع) می نویسد؛ گفته ابوالفرج و شیخ مفید که در راه مرو امیر عیسی جلودی امام را همراهی می کرد به طور مسلم اشتباه است، زیرا عیسی در این سال قیام محمد بن جعفر را سرکوب کرد و او را با خود به عراق آورد و در آنجا تسلیم رجاء بن الضحاک کرد و رجاء این گونه هر دو علوی را به مرو آورد.^[4]

از سوی دیگر، بیشتر منابع سفر ایشان را از بصره، اهواز و فارس ذکر کرده اند. اینوقعیتی کاملاً آشکار است؛ مامون برای اینکه امامدر مسیر خود وارد شهرهای شیعی نشود، دستور داده تا ایشان را از بصره به طرف اهواز، از آنجا به فارس و بعد به خراسان آورند.^[5] بنابراین این نظر یعقوبی که می گوید؛ رجاء از راه بغداد و نهاوند و ماه البصره سفر کرد اشتباه است.^[6]

در هر صورت، امام وارد ایران شد و حضور امامدر نیشابور نقطه عطفی در تاریخ تشیع این منطقه به شمار می آید. بدیهی است چون امام رضا(ع) در نیشابور، در آن در دوره که اوضاع سیاسی-اجتماعی به گونه ای بود که آوازه علویان در اطراف جهان اسلام به ویژه ایران پیچیده بود، مهم ارزیابی می شد. امام از لحظه حرکت از مدینه تا مرو، از روش های گوناگون برای شناساندن شیعه بهره برد. علی بن موسی الرضا(ع) طی دوران اقامت خود در مرو، برای پیشرفت اندیشه و اعتقادات مردم خراسان بسیار تلاش کرد و با مناظره های علمی با اهل کتاب و نحله های فکری گوناگون، موجبات اتلای معرفت و بینش دینی این منطقه را فراهم آوردند. آن حضرت ب تشکیل محافل علمی، کلامی و حدیثی در دفاع از اصول اسلام و فرهنگ اهل بیت پرداختند و به شبهه ها و ایرادهای فرق مختلف پاسخ دادند.^[7]

شمار مناظرات امام رضا(ع) با اهل کتاب و نمایندگان مسیحیان، مانویان، زردشتیان، صابئین و فرق اسلامی بسیار است. مباحث این مناظرات علمی درباره آفرینش جهان، توحید، صفات خداوند، انبیای الهی و عصمت آنان، جبر، اختیار و امامت، تفسیر آیات گوناگون قرآن، فضایل اهل بیت، احادیث و دعا و احکام بود.^[8]

حیثیت علمی امام، مهم ترین عامل توسعه مذهب شیعه به حساب می آمد، به ویژه که مبانی فکری شیعه نیز در آن شرایط، مشخص شده بود و طبعاً مرجعیت علمی امام، توسعه فکر شیعی را در برداشت. رجاء بن ابی الضحاک که مسئولیت آوردن امام را برعهده داشت، درباره حوادث طول راه نقل می کند که در هیچ شهری از شهرهای فرود نمی آمدیم مگر آنکه مردم سراغ او می آمدند و از او درباره مسائلشان استفتاء می کردند و معالم دینی شان را می پرسیدند. او نیز احادیث زیادی از طریق آبائش برای

آنها نقل می کرد.^[۹]

از سوی دیگر ورود امام رضا به خراسان، حرکت گروهی سادات و شیعیان را به ایران را در پی داشت. علویان از موقعیت به وجود آمده برای امام رضا(ع) در حکومت مامون استفاده کردند و به صورت گروهی راهی ایران شدند. آنان به شوق دیدار با امام رضا(ع) از مدینه به سوی مرو می رفتند. مامون که از فروپاشی حکومتش می ترسید به حاکم فارس دستور داد تا از ورود آنان جلوگیری کند که در نهایت به کشته شدن بسیاری از آنها گردید.

با توجه به آنچه گفته شد، با این حال باید اعتراف کرد که دوران پربار امامت امام رضا به ویژه دهه دوم آن، دوران آزادی و آسایش نسبی شیعیان است. در این دوران، شیعیان و سادات از اطراف برای دیدن و بهره بردن از محضر علی بن موسی الرضا به خراسان روی آوردند. بی شک همان دو سال حضور امام در خراسان سبب گسترش تشیع در خراسان و نواحی آن شده بود. اهمیت نفوذ تشیع و گسترش آن پس از ورود امام رضا(ع) به خراسان به گونه ای بود که زمینه قیام محمد بن قاسم علوی در طالقان را فراهم ساخت. هر چند این قیام در سال ۲۱۹ هجری چند سال بعد از شهادت امام رضا رخ داد، از آن روی که باعث گسترش تشیع در بخشی از خطه خراسان شد در خور توجه است.

محمد بن قاسم در زمان معتصم در طالقان خروج کرد و پس از جنگ های که میان او و عبدالله بن طاهر روی داد، سرانجام عبدالله او را دستگیر کرد و نزد معتصم فرستاد. وی پیش از آن مدتی در جوزجان تلاش کرد و طولی نکشید که چهل هزار نفر از مردم آنجا با وی بیعت کردند که خود نشان دهنده وسعت گرایش های شیعی در خراسان است.^[۱۰]

بر اساس آنچه بیان گردید، بدون تردید هر فرایند فرهنگی همچون فرایندهای اجتماعی و سیاسی، در سیر تحول خود با عوامل شتاب دهنده یا کاهنده روبه رو می شود که تاثیر محسوس و گاه شگرفی در پیشرفت یا پسرفت فرایند یاد شده دارد. در موضوع مورد بحث، حضور امام رضا در ایران و مخصوصا در شهرهای خراسان را باید نقطه عطف مهم در گسترش تشیع در ایران محسوب داشت. چرا که دوران حیات امام رضا(ع) را باید دوران اوج گیری گرایش مردم به اهل بیت و گسترش پایگاه های مردمی این خاندان دانست. البته تا آن زمان بسیاری از ایرانیان با جذب روحیات حماسی شیعیان عمدتا زیدیه و حق طلبی های آنها به تشیع گرایش پیدا کرده بودند، با این حال باید گفت که عمده حرکت های شیعی با نوعی قیام های خونین بدون برنامه منظم و با ساده انگاری و بیبرنامگی همراه بود.

این قیام های عمدتا بی حاصل، امکانات و جان بسیاری از شیعیان را هدر داد؛ اما در این هنگام تحول بزرگی روی داد و در راستای حرکت های فرهنگی-تبلیغی امامان شیعی اثناعشری در ایران، علی بن موسی الرضا به ایران آمد و در پی خود خیل کثیری از داعیان و بزرگان شیعیان امامیه را به ایران کشاند. این داعیان که عمدتا از سادات بودند، در بیشتر مناطق ایران حضوری موثر داشتند و حتی پس از مرگشان، مدفن آنها به زیارتگاه مردم بومی تبدیل شد. این زیارتگاه های امامزادگان همچنین به مرور مرکزی برای انجام شعائر مذهبی و آموزش های مکتبی شیعیان شد.

این تحولات خود تحول بزرگی در هویت شیعیان ایرانی و روند پویایی و رشد آنان ایجاد کرد، به گونه ای که هویت اجتماعی شیعیان ایران از هویت عمدتا زیدی به هویت اثناعشری دگرگون گردید. چرا که حرکت های شیعیان ایرانی تشنه عدالت بود و با ورود امام رضا به ایران و نهادینه شدن مبانی و اصول مکتب اثنی عشریه در ایران، فعالیت های شیعیان ایران از قیام های خام و بی نتیجه به حرکت های بزرگ و با برنامه تبدیل شد به گونه ای که در آینده، این جنبش های موفق به ظهور دولت های منطقه ای بزرگی در ایران انجامید که هویتی کاملا شیعی داشتند.

[۱]-طبری، تاریخ الرسل و المملوک، ج ۶، ص ۳۷۰

[۲]-رسول جعفریان، مقالات تاریخی، ص ۳۳

[۳]-احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۶، ص ۳۸۷

[۴]-ali all-rezaEncyclopaedia Iran ica:wilfred.madelung ۸۷۸ p

[۵]-ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ج ۸۷۹

[۶]-ابنواضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۵۶

[۷]-اصغر منتظر قائم، تاریخ امامت، ص ۲۱۶

[۸]-همان

[۹]-شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۸۳

[۱۰]-ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۴۶۴-۴۷۰